

ترکیه و در چند مورد از عنوان ترکیه عثمانی برای عثمانی استفاده می کنند.

اهمیت مالکیت ایران بر هرات موضوع مهم بعدی است که از دیدگاه بریتانیایی ها به آن پرداخته شده است. زمانی که محمدشاه قاجار بار دیگر هرات را تصرف و از وجود شورشیان پاک می کند، حکومت های بریتانیا در لندن و هند موضوع را از درجه اول متفاوت می بینند. از نگاه بریتانیا روسیه به طور مستمر در حال رخنه در خاک ایران و توسعه بخشیدن نفوذ خود در آنجا بود در نتیجه هرگونه پیشروی ایران به سمت شرق، نزدیکتر شدن روسیه به دروازه هند قلمداد می شد. بریتانیا هم در مقابل لشکرکشی محمدشاه و هم پسرش ناصرالدین شاه واکنش مشابهی داشت و با حمله و تصرف جزایر و سواحل ایرانی، تهران را وادار به عقب نشینی کرد.

هنری پالمستون، نخست وزیر مقتدر بریتانیا پیش بینی کرده بود که روسیه و بریتانیا در آسیای مرکزی با هم رویه رو خواهند شد. این دورنما در طول سالیان پس از عهدنامه ترکمنچای که امتیاز و برتری در دریای خزر را برای روسیه به ارمغان آورد، ترس بریتانیایی ها را بیشتر کرد.

فصل بعدی کتاب با عنوان «بحرین و ادعای ایران» بر این ادعا استوار است که «استقلال آن جزیره تحت فرمانروایی خاندان آل خلیفه که از اواخر سده هجدهم بر بحرین حکومت کرده اند در فواصلی از سوی قدرت های مختلف مورد چالش قرار می گرفت هر چند بدون تردید مدعی اصلی همیشه ایران بود.» این گزاره آنچنان خلاف واقع است که خود دولت بریتانیا نیز تا پیش از پذیرش محمدرضاشاه پهلوی برای جدایی بحرین از ایران باور نداشتند و استقلال بحرین با «نظر خواهی» سازمان ملل از شیوخ عرب صورت پذیرفت حال آنکه چنانچه این اتفاق با همه بررسی از مردم بحرین صورت می گرفت به احتمال زیاد و بنا بر شواهد فراوان تاریخی نتیجه چیز دیگری بود و اکثریت شیعه مذهب که بسیاری نیز حتی به زبان فارسی تکلم می کردند، به سمت ایران متمایل بودند. در واقع این ادعای استوار الفگنستون، فرماندار بمبئی در نامه ای به وزیر بریتانیا در تهران در مقابل احتیاط و بدبینی دولت ایران به جایی عظیم نیرو در خلیج فارس توضیح می دهد: «شما نمی توانید برای دولت ایران هیچ برهانی در مورد اهداف و نیت بی طرفانه ما، رضایت بخش تر از توسل به طبیعت و دستاوردهای آخرین اعزام نیروی ما فراهم آورید که در آن موقعیت، اکیدترین دستورات برای محدود ساختن عملیات انهدام سفاین راهزنی دریایی و اینکه آن عملیات را به هیچ وجه به داخل مملکت گسترش ندهند صادر شده بود.» هر چند ترجمه ثقیل و نامفهوم عبدالرضا سالارپهزادی بار دیگر این سند را به متنی دیرپا بدل کرده اما می توان اهمیت اسناد مورد استفاده جان ستاندیش را از لایه لای آن دریافت. از همین روست که او بر این باور است ایران از عصر ناصرالدین شاه بی برد که فقدان قدرت دریایی بریتانیا در خلیج فارس ایران را با ناتوانی کامل برای دفاع از سواحلش رویه رو خواهد کرد اما روشن نمی کند که خطر احتمالی برای سواحل ایران پس از افول همه قدرت های دریایی اروپایی در خلیج فارس از چه منشأیی جز بریتانیا می توانست باشد؛ در واقع ایران در مواجهه با همه تهدیدات محلی از قدرت لازم برای دفاع از خود برخوردار بود و تنها در مقابله با قدرت های نوظهور اروپایی بود که نتوانست به صورت برابر با آنها مواجه شود.

ستاندیش مباحث طولانی را به موضوعاتی اختصاص می دهد که اساساً به موضوع ایران و حتی خلیج فارس به سختی ارتباط پیدا می کند و پیگیری اهداف امپراطوری بریتانیا در خاک عثمانی از بغداد تا مصر و هند و شبه جزیره عربستان را گزارش می دهد اما نویسنده و یا مترجم چنان بی دقتی کرده اند که به کرات از نام

که همین عدم قدرت دریایی سازمان داده شده در تمامی ممالک و سواحل خلیج فارس عاملی تعیین کننده در سیاست های بریتانیا از زمان ورود پرتغالی ها تا همین اواخر بوده است. حضور فرانسوی ها و هلندی ها نیز نتوانست در تسلط بریتانیا در قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم بر خلیج فارس خللی وارد کند. نویسنده به درستی اشاره می کند که حمله نادرشاه به گورکانیان هند با تضعیف این سلسله قدرتمند، روند تسلط بریتانیا بر هند را تسریع کرد اما در عین حال نتوانست با تسلط دوباره بر بحرین و همچنین وادار کردن شیخ مسقط به تبعیت از ایران، قدرت نمایی در خلیج فارس داشته باشد که با مرگ زود هنگام او نتوانست استمرار داشته باشد.

پس از این بود که موجی از راهزنی دریایی شیوخ عرب و هرج و مرج بر خلیج فارس حکمفرما شد؛ آنچنان که بریتانیا نیز درصدد برآمد دفتر مقیم خلیج فارس را از بوشهر به یکی از جزایر امن تر خلیج فارس منتقل کند و تنها در دوره ثبات کریم خان زند بود که کمپانی با اجازه او کارگاه و اقامتگاهی رسمی در خلیج فارس ایجاد کرد؛ از این زمان انحصار بریتانیا در کنترل تجارت دریایی ایران آغاز می شود. «سال های مصالحه» عنوان بخش بعدی است که خطر فرانسه ناپلئونی بریتانیا را وادار به احتیاط در خاورمیانه می کند تا بتواند از این تهدید ببرد. در این دوره «یک هیات سفارت امپراطوری بریتانیا به ریاست سرهافرورد جونز به دربار شاه ایران رسید و موفق شد پیمانی را منعقد سازد که به موجب آن روابط سیاسی و دیپلماتیک و تجاری بریتانیا با ایران به میزانی قابل توجه و به قیمت کاسته شدن از امتیازات فرانسویان تشدید و تحکیم شد.» با شکست ناپلئون و واگذاری جزیره مورس از فرانسه به بریتانیا این خطر برطرف شد. با این وجود بریتانیا همچنان با دزدان دریایی که شیوخ کنونی امارات متحده عربی از اعقاب آنان هستند، مشکل داشت و تلاش برای سرکوب و انقیاد آنان دغدغه اصلی امپراطوری را تشکیل می داد. گزارش های ستاندیش از مکاتبات و اسناد بریتانیا در این دوره پیگیری اهداف و امیال بریتانیا را مشخص می کند. مونت استورات الفگنستون، فرماندار بمبئی در نامه ای به وزیر بریتانیا در تهران در مقابل احتیاط و بدبینی دولت ایران به جایی عظیم نیرو در خلیج فارس توضیح می دهد: «شما نمی توانید برای دولت ایران هیچ برهانی در مورد اهداف و نیت بی طرفانه ما، رضایت بخش تر از توسل به طبیعت و دستاوردهای آخرین اعزام نیروی ما فراهم آورید که در آن موقعیت، اکیدترین دستورات برای محدود ساختن عملیات انهدام سفاین راهزنی دریایی و اینکه آن عملیات را به هیچ وجه به داخل مملکت گسترش ندهند صادر شده بود.» هر چند ترجمه ثقیل و نامفهوم عبدالرضا سالارپهزادی بار دیگر این سند را به متنی دیرپا بدل کرده اما می توان اهمیت اسناد مورد استفاده جان ستاندیش را از لایه لای آن دریافت. از همین روست که او بر این باور است ایران از عصر ناصرالدین شاه بی برد که فقدان قدرت دریایی بریتانیا در خلیج فارس ایران را با ناتوانی کامل برای دفاع از سواحلش رویه رو خواهد کرد اما روشن نمی کند که خطر احتمالی برای سواحل ایران پس از افول همه قدرت های دریایی اروپایی در خلیج فارس از چه منشأیی جز بریتانیا می توانست باشد؛ در واقع ایران در مواجهه با همه تهدیدات محلی از قدرت لازم برای دفاع از خود برخوردار بود و تنها در مقابله با قدرت های نوظهور اروپایی بود که نتوانست به صورت برابر با آنها مواجه شود.

ستاندیش مباحث طولانی را به موضوعاتی اختصاص می دهد که اساساً به موضوع ایران و حتی خلیج فارس به سختی ارتباط پیدا می کند و پیگیری اهداف امپراطوری بریتانیا در خاک عثمانی از بغداد تا مصر و هند و شبه جزیره عربستان را گزارش می دهد اما نویسنده و یا مترجم چنان بی دقتی کرده اند که به کرات از نام

دیپلماسی که مبتنی بر نگاهی نظامی است، با ادعاهای فانتزی و غیر معقول در جاهای دیگر جایگزین شده است. تعابیر شاعرانه و توصیف هایی با جزئیات مسحورکننده شاید در یک سفرنامه قابل انتظار باشد اما در کتابی با ادعاهای علمی غیر قابل پذیرش است. مشکلات چاپ مجدد مقالاتی که سی سال هست پس از انتشار اولیه اصلاح نشده است، همه جای اثر آشکار است. در یک فصل مفید دیگر درباره جنگ هرات با عنوان «جنگ ایرانی ۱۸۵۷-۱۸۵۶»، دقتی در بررسی متن با مقاله اصلی که در مطالعات خاورمیانه در سال ۱۹۶۶ منتشر شد، صورت نگرفته است. این عدم نظارت منجر به برخی از خطاها شده که نسخه جدید را در جاهایی نامفهوم کرده و ترجمه ای که بعضاً با جملات طولانی بدون فعل و عبارات نامأنوس، مبهم نیز شده است. لارنس پاتر، استاد دانشگاه کلمبیا در تنها معرفی کوتاه به زبان انگلیسی درباره این کتاب نوشته است: «بخشی از کتاب که به بررسی سیاست بریتانیا در قبال ایران و خلیج فارس در قرن نوزدهم اختصاص دارد، آموزنده و دارای مطالب نوبی هست اما در مجموع، این مقالات متنوع به عنوان یک کتاب خوب در کنار هم قرار نمی گیرند... و دلیل خوبی برای انتشار کتاب وجود ندارد.»



لارنس پاتر، دانشیار گروه بین الملل و امور عمومی دانشگاه کلمبیا است که تاریخ خلیج فارس، ایران، افغانستان، سیاست خاورمیانه و امنیت خلیج فارس، در حوزه تخصصی اوست. علائق تدریس لارنس جی پاتر، شامل تاریخ ایران، افغانستان و خلیج فارس و سیاست ایالات متحده در قبال خاورمیانه است. پاتر از سال ۱۹۹۶ در دانشگاه کلمبیا تدریس و از سال ۲۰۰۲ به عنوان دانشیار امور بین الملل خدمت کرده است. او از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲ سردبیر ارشد انجمن سیاست خارجی بود. از آثار مهم پاتر می توان به ویرایش های «خلیج فارس در دوران مدرن: مردم، بنادر و تاریخ» (۲۰۱۴)، «سیاست فرقه ای در خلیج فارس» (۲۰۱۳)، «خلیج فارس در تاریخ» (۲۰۰۹) و ویرایش مشترک (با گری سیک) «پوشین» است. خلیج در هزاره: مقالاتی در سیاست، اقتصاد، امنیت و دین (۱۹۹۷)؛ امنیت در خلیج فارس: ریشه ها، موانع، و جست و جوی اجماع (۲۰۰۲)؛ ایران، عراق و میراث جنگ (۲۰۰۴) از جمله سایر آثار اوست. پاتر دارای مدرک کارشناسی از دانشگاه تافتس، کارشناسی ارشد از دانشگاه لندن و مدرک کارشناسی ارشد و دکترا از دانشگاه کلمبیا است.

آنچه که این اثر را برای ایرانیان، اثر قابل تأمل و در خوری می کند، دو فصل پایانی کتاب هستند که به تشریح سیاست بریتانیا در خلیج فارس می پردازند و به مدعای ایران در مورد بحرین از دیدگاه بریتانیایی پاسخ می دهد. این دو فصل که البته دوسوم کتاب را نیز تشکیل می دهد، دارای ارزش مطالعاتی است که البته همانگونه که گفته شد، مبتنی بر مجموعه اسناد «روزنامه خلیج فارس، عمان و عربستان مرکزی» اثر جان لوریمر است که با توجه به گستردگی و حجم انبوه آن اثر هنوز به طور جدی در ایران مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است؛ حال آنکه با توجه به گذشت بیش از نیم قرن از انتشار عمومی آن اسناد ارزش داشته که توسط محققان و پژوهشگران ایرانی مورد پژوهش های متعدد و واکاوی و بررسی قرار بگیرد. کتاب «ایران و خلیج فارس» جان ستاندیش نیز اسنادات کوتاه و اندکی بر آن مجموعه اسناد مهم و گسترده دارد و از این جهت حتی نمی تواند گزارشی اجمالی بر آن نیز محسوب شود. با این حال برای درک اهمیت آن مجموعه اسناد محک و معیار خوبی بررسی قرار بگیرد

بریتانیا از قرن هجدهم و در پی اهمیت مستعمره هند دفتر مقیم خلیج فارس یا سراسر بریتانیا در خلیج فارس که در واقع نمایندگی سیاسی این دولت در خلیج فارس بود را تاسیس کرد. این دفتر که در ابتدا برای رسیدگی به امور تجاری راه اندازی شد در ادامه کاری شبیه یک سفارتخانه انجام می داد و بعدها رسیدگی به امور مستعمرات بریتانیا در سراسر خلیج فارس در دوره استعمار از سال ۱۷۶۳ تا ۱۹۷۱ را برعهده داشت و با خروج کامل بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ که آخرین بقایای استعمار از جزایر سه گانه ایرانی روده شده، رسیدگی به امور خلیج فارس از سوی بریتانیا را برعهده داشت. دفتر مقیم خلیج فارس بخشی از فرمانداری هند بریتانیا بود. این دفتر که در ابتدا در بوشهر مستقر بود، با تحت الحمایگی شیخ بحرین از سال ۱۸۷۲ به این شیخ نشین منتقل شد. چند دهه پیش تر دولت بریتانیا در قراردادهای مستقل با شیخ های ساحل دزدان یا امارات متحده عربی کنونی توانسته بود بر بخش مهمی از خلیج فارس مسلط شده و با شیخ مسقط نیز قرارداد انحصاری تسلط بر ساحل این شیخ نشین امضا کرده بود و عملاً از غرب تا شرق خلیج فارس را زیر سلطه خود درآورده بود.

فصل ششم کتاب با عنوان «بریتانیا و خلیج فارس» در ابتدا به تشریح اهمیت خلیج فارس در حفظ تجارت و امنیت مستعمره هند بریتانیا پرداخته و نتیجه می گیرد: «این امر بی درنگ روشن و مشخص می شود که از اوایل سال های دهه نخست سده نوزدهم بریتانیا نیروی غالب و در واقع تنها نیروی قادر به تحمیل صلحی دریایی در خلیج فارس بود... چراکه خلیج فارس یک آبره بین المللی در دسترس و گشوده بر روی همه ممالک بود.» استدلال نویسنده برای توجیه حضور استعماری بریتانیا بر پایه حفظ امنیت و برقراری نظم استوار است. در ادامه نویسنده آغاز کار بریتانیایی ها در خلیج فارس را از دوره صفوی شروع کرده و نخستین حضورهای دریایی و رقابت با پرتغالی ها و توقیف در استعمار هند را تشریح کرده است. نویسنده بر آن است که بگوید ایرانی ها در دریا ناکارآمد و ناتوان بودند و از دریا وحشت داشتند و به همین دلیل هر دو سوی خلیج فارس در حاکمیت شیوخ عرب بوده و شاه ایران، به تبعیت و فرمانبرداری اسمی قانع بودند. ستاندیش بر آن است

دیپلمات ها



سختگوی وزارت امور خارجه کشورمان، تصویب قطعنامه شماره ۲۷۲۰ شورای امنیت مشتمل بر ارسال کمک های فوری انسان دوستانه به غزه را اقدامی مثبت اما ناکافی دانست. ناصر کنعانی گفت: جای تأسف بسیار است که با گذشت ۷۷ روز از حملات جنون آمیز رژیم صهیونیستی علیه مردم بی دفاع در نوار غزه، دولت آمریکا همچنان مانع تصویب قطعنامه ای الزام آور در شورای امنیت برای توقف جنگ و پایان دادن به جنایات جنگی و نسل کشی رژیم صهیونیستی در غزه می شود. سختگوی وزارت امور خارجه افزود: ارسال کمک های مؤثر انسانی در سایه تداوم بمباران ها و حملات نظامی رژیم صهیونیستی علیه مردمی که ۷۷ روز تحت بی سابقه ترین جنایات جنگی تاریخ معاصر قرار داشته و بیش از ۶۰ درصد منازل مسکونی و زیرساخت های شهری و خدماتی آنان تخریب شده است، عملاً میسر نیست و اظهارات دبیرکل سازمان ملل متحد پس از تصویب این قطعنامه نیز ناظر بر همین واقعیت تلخ است.



اتهام زنی آمریکا به ایران

ایالات متحده در ادامه اتهام زنی های خود به ایران پس از عملیات «طوفان الاقصی» مدعی شد، تهران در حملات نیروهای مسلح یمن به کشتی های تجاری در دریای سرخ نقش دارد. نیروهای مسلح یمن از زمان آغاز جنایات جنگی رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه، هدف قرار دادن مواضع این رژیم در سرزمین های اشغالی و همچنین حمله به منافع اقتصادی رژیم صهیونیستی را آغاز کرده است. ارتش یمن چندین بار به شهر «ایلات» در جنوب سرزمین های اشغالی حمله پهلادی و موشکی کرده و یک کشتی مرتبط با این رژیم با نام «گلکسی لیدر» را توقیف و چند کشتی دیگر را هدف قرار داده است. «آدرین واتسون» سختگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید با مداد جمعه ادعا کرد: «حمایت ایران در طول بحران غزه، حوثی ها (انصارالله) را قادر ساخته تا حملاتی را علیه اسرائیل و اهداف دریا نوردی انجام دهند. ایران در اغلب موارد اختیار تصمیم گیری عملیاتی را به حوثی ها محول کرده است.» سختگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در ادامه ادعا کرد: «ایران این انتخاب را دارد تا به این حمایت ادامه دهد یا از آن عقب نشیند. بدون آن، حوثی ها برای ردیابی و هدف قرار دادن کشتی های تجاری در دریای سرخ و خلیج عدن با مشکل رویه رو خواهند بود. او همچنین، ارتش یمن را به بی ثباتی در منطقه متهم کرد و مدعی شد ایالات متحده می داند که ایران «عمیقاً در برنامه ریزی عملیات ها علیه کشتی های تجاری در دریای سرخ دخیل بوده است. این با حمایت بلندمدت ایران و ترغیب حوثی ها برای اقدامات بی ثبات کننده در منطقه منطبق است.»



رایزنی با روسیه درباره جزایر ایرانی

در دیدار «کاظم جلالی» با «میخائیل باگدانف» معاون وزیر امور خارجه روسیه، طرف روسی گزارشی از ششمین مجمع همکاری اعراب و روسیه که در تاریخ ۲۹ آذرماه در مراکش برگزار شد، ارائه داد. در این نشست، باگدانف با تأکید بر روابط دوستانه ویژه مسکو و تهران، احترام به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی ایران و عدم مداخله در امور داخلی را اصول بنیادین در سیاست خارجی روسیه برشمرد. جلالی نیز با تأکید بر حاکمیت بلا فصل و تاریخی ایران بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ در خلیج فارس، گفت: انتظار ما این است که مسکو با توجه به روابط رو به رشد با جمهوری اسلامی ایران، اجازه ندهد دشمنان روابط دو کشور از چنین مواضع و فضاهایی سوءاستفاده نمایند.



شرکت ملی گاز ایران
 شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی
همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) دومرحله ای

نوبت اول	
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۲۰۹۶۴۱۱۰۰۰۰۴۲
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای 4081201382-R8 مناقصه شماره R8/ 1401/033
موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقدام درخواستی	خرید تجهیزات فلزکاری و جوشکاری کارگاهی
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۲,۲۰۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضمین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۳۳۴۰۲/ت ۵۵۶۵۹ت ۵ مورخ ۲۲/۰۹/۹۴ هیات وزیران می باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۹۱,۴۰۶,۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه در سامانه ستاد	۱۴۰۲/۱۰/۱۴ ساعت ۱۹:۰۰
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) و پاکات الف، ب، ج توسط مناقصه گران در سامانه ستاد	۱۴۰۲/۱۰/۲۵ ساعت ۱۹:۰۰
زمان بازگشایی پیشنهادات کیفی در سامانه ستاد	۱۴۰۲/۱۰/۲۶ ساعت ۰۹:۰۰
زمان بازگشایی پیشنهادات فنی در سامانه ستاد	۱۴۰۲/۱۱/۱۰ ساعت ۰۹:۰۰
زمان بازگشایی پیشنهادات مالی در سامانه ستاد	۱۴۰۲/۱۱/۲۴ ساعت ۰۹:۰۰
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر- منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس - شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی- پالایشگاه هشتم فاز ۲۱&۲۰- اداره خدمات کالای پالایشگاه هشتم

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: www.setadiran.ir انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.

مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۷۷۳۱۳۱۹۶۶۵ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شناسه آگهی: ۱۶۲۶۸۷۱